



نحمد الله على توفيقه ونصلي على محمد وعترته الطيبين الطاهرين



وتمطبع في المطبع واقع في الزمان وديننا طبع

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE7250

## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي عزى العزة والبقا والمنزلة عن الغضب والنفاء المشكورين الشاء المعجزة في الارض والسماء والمدارج بالحسن البصليات والاسماء المودوس في قلوب الاولياء والانتقاء واصطلمة على سواها انزل من قريش في سنة البطي والمبعوث الى العجم والمرتبان في اللوعة والسيرة والهواء الداعي الى الشريعة المشرفة البيضاء والطريقة السكونية العليا المخصوصة من خلق العظيم واسماء المصنفون من المعاصرين والافراد على اذ الطاهرين مصباح الظلماء واصحاب الطيبين كنجهم السمار في الامتداد والافتاد اما بعد قال العبد الفقير المذنب الى رحمة الملك الوهاب احمد حميد بن شهاب الملقب بن نظام اصباح الممد لكه وتقبل اعماله لاجل جهن المشكلات من كتب المصنفين وتضمنها اهل الدين المتوسمين بعض اصحابه واخواني وزمرة اخواني ان عجزتكم المسائل انظار رسيته لافيه من المعضلات والحوادث الصعوبات فمنعت ملتصقهم وكلفت بينهم حتى كملت فيها ونظرة المتعلمين ثم شرعت في تفسير على صورة الاسوال والجواب ليكون سهلا في الدكر والفهم وتتمية المشكلات الفقهية والاسال المدقق ان يوفقني على الايمان فان خير من سؤل واجبا ممول وهو نعم المولى ونعم المجيب في جميع المشكلات والافات **سؤال** اكثر ابراهيم سنة مرة في صديق شغل جنات كرم

اوقات نماز هم بدان طهارت گذارد نماز باید ادا فاسد باشد و بایستی نماز او جایز باشد صورت  
 این مسئله چگونه است **جواب** بگوئیم در غسل مضطرب فراموش کرده بود چون آفتاب  
 برآمد او آب خورد و بعد نماز پیشین و نماز دیگر و بایستی اوقات هم بدان طهارت گذارد  
 پس نماز باید ادا فاسد باشد و بایستی نماز او جایز باشد زیرا که خوردن آب قائم مقام وضو است  
 اگر ترا پرسند که در این خود چنانچه در چون صحیح صادق شد وقت نماز باید ادا در آمد آنگاه وضو  
 کرد و نماز گذارد صورت این مسئله چگونه است **جواب** بگوئیم در نماز که در شرب باران خود  
 محاسنت کرد پیش از غسل اسلام آورد چون وقت نماز باید ادا در آمد وضو کرد و نماز گذارد  
 پس نماز او جایز باشد زیرا که حیثیت برود **سوال** اگر ترا پرسند که مردی  
 در صحرای هکلیه از مرد دیگری و به پهلوی او بایستاد چون آن مرد از نماز فارغ شد حوازی  
 نمازی بدست او نشاند اگر خواهد نماز او درست دارد و اگر خواهد باطل کند صورت این مسئله چگونه است  
**جواب** بگوئیم در میان بود و آب نیافته بود که بدان آب است که به تیمم نماز میکند و اگر  
 که به پهلوی او بایستاد با خود مطهره برآید و در شرف چنین گویند که اگر به تیمم نماز میکند  
 و مردی دیگر در عین نماز آب رسید و پهلوی او بایستاد چون از نماز فارغ شود از آن مرد  
 آب طلبد اگر آن مرد آب بنده نماز او درست باشد و اگر بنده نماز گذارد است باطل شود زیرا که  
 موجود بودن آب در نماز تیمم شک نیست بصلاح و فساد نماز او بدست او نشاند اگر خواهد نماز او درست  
 دارد و اگر خواهد باطل کند **سوال** اگر ترا پرسند که بنده و مومنی هر دو در راه میروند و هم  
 آثار راه بنده از او شد و مومنی گشت و مومنی بنده شد صورت این مسئله چگونه است **جواب**  
 بگوئیم او کافر می گشت و او بنده مسلم با در حرب خیزد کرده بود بعد آن حرب  
 بآن بنده بجزایمان در راه اسلام در آید هر که بر او غلبه نمود بگیرد و مالک گردد و نزدیک آن حقیقت  
 کوفی اما نزدیک صاحب بنده مالک نگردد و بکن خواهر شود و همچنین اگر

و همچنین اگر حرب از دوا حرب امان خواسته در دوا اسلام در آمد و باز رفت و غلامی  
 خرید در شریعت حکم این آنست که اگر حرب امان خواسته مضحکی در دوا اسلام در آمد و بیکس برسد  
 و شریعتی نباشد اما چون از شهر بیرون رود هر که بر سر غلب شود بکس در مالک گرد و چون  
 این غلام از شهر بیرون آمد هر گشت و آن حرلی را مالک شد **سوال** اگر ترا بر سندانم بخاشی  
 که هست تا بگویند یک شود اما آن نجاست کدام است که بغیر از آب پاک میشود **جواب** بگو آن  
 خم و پوست مرد است زیرا که خم بکشد آتش پاک میشود و پوست مرد در آب باغت **سوال** اگر  
 ترا بر سندان و شوهر بر یک بستر خفته بودند چون بیدار شدند در بستر آب منی دیدند و  
 بر دوا احکام انکار آوردند غسل بر کس واجب شود چگونه باشد **جواب** بگو درین اختلاف  
 متنازع است گفته اند اگر آب منی بر بستر دراز است بر مرد غسل واجب شود و اگر پس بویافته  
 است بر زن غسل واجب شود و اگر پسید است بر مرد غسل واجب شود و اگر زرد است بر زن غسل  
 واجب شود و لیکن اولی آنست که از جهه احتیاط هر دو غسل کنند **سوال** اگر ترا بر سندانم  
 بسجده رفت و پاک شده بر آه چگونه باشد **جواب** بگو چنانچه غسل کرده بود در غسل منقضی شود  
 نموده بود در شریعت جنب یا منقضی فرغیده است او درون مسجد رفت و منقضی کرده آب بخورد  
 پاک شده بیرون آمد **سوال** اگر ترا بر سندانم در نماز دو گانه شروع کردم در دو رکعت نماز  
 بیست سجده کرد چگونه باشد **جواب** بگو آنقدر خافتم و آنست یعنی تمام قرآن در دو رکعت نماز ختم کرد  
 است پس چهار سجده ملاوتشت و چهار سجده نماز دو سجده سهو **سوال** اگر ترا بر سندانم در  
 تسبیح کامل در دوا از کوه بروی واجب شد مع ذلک فقیر است و اخذ صدقه مرا و اجازت  
 چگونه است **جواب** بگو آنقدر نیست که بیخ شمر دارد ولیکن قیمت شتران و بستان درم شریعت  
 تسبیح او را بگویند و اخذ صدقه مرا و اجازت باشد اگر چه او از کوه شتران بروی واجب شده  
 است **سوال** اگر ترا بر سندانم مردی قومی را در مسجد امامت میکرد و هم در تثنای آن مردی  
 آمد و بر موزه نازیان نماز میفراست چگونه باشد **جواب** بگو آن امام در وضو مسح موزه را کرد

کرده بود بجهان امامت میکرد چون آن مرد بر موزه خود تازیانه زد و مسح موزه یاد آورده نماز  
 همه تابه و فاسد گشت زیرا که مسح موزه بر سر و رخسار بود چون نماز او فاسد شد نماز مقتدی  
 نیز فاسد شود **سوال** اگر ترا بر سجد جاتی مسافران بمسافران اقتدا کرده بودند یک  
 ازین مقتدیان نیت اقامت کرد نماز بر فاسد گشت چگونه باشد **جواب** بگو آن مرد که امامت  
 کرد او بنده بود و موافق او در نماز نیت اقامت کرد بنده با ازین حال خبر نمود نماز مسافر آنکه از  
 و سلام داد پس نماز ایشان فاسد شد زیرا که بر ایشان نماز مقتدانه واجب است بر امام از جهت اقامت  
 موسسه و بر مقتدیان از جهت تبع امام **سوال** اگر ترا بر سجد که امامی و مورد جماعتی در مسجد  
 نماز میکند از دهم درین ایام در مسجد رسیدن امام و موزن حرام گشت و جماعتی ترا  
 سیات واجب شد و لایق آن گشت که مسجد را ترک کند چگونه باشد **جواب** بگو مردی  
 و وزن داشت او بسفر رفت چون او را در سفر ندیده برآمد زن آن او خواست که شوهر دیگر کند  
 حلیه انگیزند و بر قاضی موافقت کردند که مدتی است شوهر ما در سفر رفته است و زینوقت او را  
 مرده ما را اجازت ده تا یک کنیم و خوشتر دیگر کنیم قاضی بر موت شوهر ایشان گواهی طلبید همین مرد  
 که جماعتیان اندیش قاضی گواهی دروغ داده بودند که ما خبر داریم که شوهر ایشان در سفر  
 مرده است قاضی گواهی ایشان آن دوزخ را بایستی کشد که در سینه امام را خواست دو  
 مورد نماز خواند او را مسجدی ساخته در آن امام و موزن در آن مسجد نماز میکند از دهم و آن در  
 گواه دروغ نیز به واقعه کرده بودند آنکه از سفر رسید چون او مرده بود زن آن و بجهان  
 زنان او شدند بر امام و موزن حرام گشتند چون آن جماعتیان که گواهی دروغ داده بودند  
 بر ایشان سیات واجب شد چون خانه که او را مسجد کرده بودند ملک آن مرد بود و شرعاً او قوی  
 که مسجد را ترک کند و باز خانه سازد **سوال** اگر ترا بر سجد مرده و وضو دار و نیت تحمیت در ملک  
 او در نماز است چگونه باشد **جواب** بگو آن مردی است که در نماز او راحت رسیده است  
 و از جهت وضو از مسجد بیرون آمد پس او نماز است مادام که افعال مناصحه نگرفته و خاتمی

خنده و قهقهه و کلام جز آن **سوال** اگر ترا پرسند که در اندام متوسل صلی که امام عضو است که  
دستی نشستن آن فرض است دست نه **جواب** بگو آن دو عضو است در پنج و چهار ضعیف  
زیر که پیش از بریدن ریش آن دو عضو بر سینه فرض است بعد از بریدن ریش  
آن دو عضو فرض نیست از جهت **سوال** مردی در نماز شام شروع کرد و هم در سه رکعت نماز  
نه کرت تشهد خواند چگونه باشد **جواب** بگو آن مرد سبق است که امام را در رکعت دوم بعد از  
برداشتن سر از رکوع در یافت و بر او سه و در قهقهه او تشهد خواند پس یک تشهد  
بجمله باشد بعد یک رکعت که از نماز امام باقی مانده بود که اگر از نماز امام که از رکعت دوم کرت تشهد  
بعد از امام را در نماز سه بوده سجده سهو کرد و تشهد خواند او نیز متابعت کرد سوم بار تشهد خواند  
بعد از آن امام سجده تلاوت را که در نماز واجب شده است یاد آورد و سجده کرد و تشهد خواند او نیز  
متابعت کرد چهارم کرت تشهد خواند و نیز امام سجده سهو پس این بجا آورد و نیز متابعت بخیم بالله  
تشهد خواند چون امام سلام داد و از نماز برین آمده بعد از او از جهت قضا سه و دو رکعت  
که از وفوت شده بود درخواست یک رکعت گذارد ششم مرتبه تشهد خواند بعد از آن سه رکعت استاده  
شد و یکبار در هفتم بار تشهد خواند بعد از آن سجده سهو که ازین دو رکعت بر روی واجب شده است  
بجا آورد و ششم مرتبه تشهد خواند بعد از آن سجده تلاوت آورد و نهم کرت تشهد خواند **سوال**  
اگر ترا پرسند مردی در دو گانه نماز را در شروع کرد و هم در دو رکعت نماز هفت سجده کرد چگونه باشد  
**جواب** بگو آن سبق است که امام را در رکعت دوم بعد از برداشتن سر از رکوع یافته بود هم نماز  
ساعت امام محمد گشت همان سبق را خلیفه گرفت او و سجد که امام از رکعت دوم گذار شد بود  
که در یک سجده دیگر که امام در رکعت اول فراموش کرده بود از نماز قضا کرد و بعد تشهد خواند مقتدر را  
خلیفه از جهت سلام گرفت و خود بر او سه و او سه آن دو رکعت که از سه و فوت شده بود  
برخواست چهار سجده درین دو رکعت کرد چهل و هفت سجده شد **سوال** اگر ترا پرسند  
یک در اندام متوسل صلی که امام عضو است که به شستن آن جایز است

جایز است و نه مسح آن چگونه باشد **جواب** بگو آن بای مسح است که در مدت مسح از  
موزه کشیده است زیرا که اگر آن با مسحه نشود و بر پا دوم مسح کند میان غسل و مسح  
اجتماع حاصل شود و آن رد نیست و اگر بدان مسح اول گفته اند هم روا باشد زیرا که  
چون در مدت مسح یک بار موزه کشیده بر سر واجب باشد که بای دوم هم بکشد و هر دو با هم  
**سوال** اگر ترا بر سنده مرد یا بچرخن نشسته بود از او پرسیدند که این زن را که باشند  
گفت که یک زن است و دو خواهر نیست و دو کنیز من است و این هر چرخن یکدیگر را  
باشند چگونه باشد **جواب** بگوید که کنیزک با من دختر خدیوه بود و یکی از آن دختران را از او  
در سر خود را عقد کرده و دو خود آن کنیزک را در تصرف خود آورد و از دو دختر نشاند بعد  
از وفات آن دو دختر که از پدر او بودند مر آن پس را خواهر آن پس باشد و یک دختر  
را باشد و دو دختر دیگر چون نیده پدر او بودند میراث پدر رسیده پس چند دختر که از

شکم اندکی زن او باشد و دو خواهر او و دو کنیز که **و سوال** اگر ترا بر سنده و کنیزان  
یک دختر و یک کنیز یکی است یکی از این سه زن با لایم دید بر فرزند گفت که آن زن آفر دست پس  
او را طلاق و اگر کنیز کنیز است او را از او کردم اگر دختر آن مرد است چند جو با هم و در سبب  
میگند نیز بر زبان رانده بعد در خانه درآمد و ایست ترا پرسید که از میان شما با لایم با هم که  
بود هر یکی گفت که من بودم آن مرد را گفت که یک کند و قول که استعبر دارد چگونه باشد **جواب** بگوید که  
دختر معبر بود چند خوب زدن بر او نمود و اجابتی زیرا که در قول هر یک احتمال که است  
کنیز که از جهت از او میگوید و زن از جهت آن میگوید تا طلاق بر او گفته و از شوهر خلاص  
یابد اما بر دختر هیچ احتمال کذب نیست قول دختر معبر باشد **سوال** اگر ترا بر سنده و زن حامله  
خبره تا یک بی آوردند یکی پس و یکی دختر هر یکی از ایشان میگوید که من آورده ام و آن  
پیش قاضی روند قاضی چگونه کند **جواب** بگوید که دو شش خور و بیار و مرد و یک و زن و نیز ایشان  
کرده و زن نمای شیر بر که گران باشد پس او را بدین **سوال** اگر ترا بر سنده و زن حامله میگوید



ایمان در نکاح بند من کرده اول خطبه نکاح من خوانده بودم چگونه باشد **جواب** بگویم در این از کثیر  
خود پرسیده اده بود آن کثیر نکاح از او کرد و چون سیر بزرگ شد آن مرد دستان کثیر نکاح را در نکاح خود آورد  
و خطبه آن سیر خواند **سوال** اگر زن بار بسته مرد بعضی صحیح شده در دم مثل بزنی خواست و در  
سفر رفت زن او مکتوب بنیشت فرستاد و گمان زن شوهر است دیگر کرده است و بخرج است  
چنان کند که بر سر من تجمل خرب بفرستد چگونه باشد **جواب** بگویم اگر زن دهنده بد آن زن بود  
چون پیران وفات یافت آن بنده بارت ملک آن زن گشت و نکاحی که میان ایشان بود فاسد  
شد بعد آن زن که شستن عدت شوهر دیگر کرد آن بنده در سفر بود و مکتوب نوشت و خرج آورد  
**سوال** مردی از خانه بیرون آمد و در بازار رفت ساعتی در بازار بجزید و در وقت مشغول  
بعده او بار از خانه آمد چه باید کرد آن شوهر است دیگر کرده است و با او بدوق و تنعم مشغول گشته  
چگونه باشد **جواب** بگویم اگر مرد طلاق زن خود در شهر طے معلوم کرده بود که اگر او باز بدیختن گوید و  
بی اذن من از خانه بیرون آید ترا سه طلاق بعده او باز بدیختن کرد و اذن او از خانه بیرون آمد بر آن  
زن هر سه طلاق واقع شد و آن زن حامله بود در آن ساعت وضع حمل کرد و بدیعت او بدیعت حمل تلقا  
شد بعد از انقضای عدت شوهر است دیگر کرده است و با او بدوق و تنعم مشغول گشته **سوال** در  
تنها بر سر راه نشسته بود مرد او را پرسید که چیست نه او گفت میخواهم که نفس خود را بکسی بزنی دهم  
گفت که مرا بزن بده او گفت ادم افز و بپاوی بنیشت مرا دیگر آمد او نیز پرسید که بخواهی بنیشت  
گفت میخواهم که نفس خود را به کسی بزنم ادم افز و گفت که مرا بزن بده او گفت ادم او هم به پهلوی او  
بنیشت بعد مرد دیگر آمد و پرسید او را نیز بختان جوان او دهنه بمیان آمد بعد هر یک شخصیت  
کنان بر قافله رفتند و صورت حال بخواهی گذشته بود باز نمودند حاکم بعد تحقیق بجز از نکاح سیوم هم  
کرد و آن زن او را دانید چگونه باشد **جواب** بگویم آن نکاح اول بفرار شده بود و نکاح غیر  
از شهر باطل است همچنین نکاح دوم آن نکاح سیوم جایز بود زیرا چه عین دو کس که در یک کس  
نشسته بودند نگاه شده اند پس نکاح ایشان فاسد و نکاح او جایز باشد **سوال** مردی دارد

خواهر خود را در یک عقد به هزار درم مثل مردی بزننی داد و نکاح هر سه جایز بود چگونه  
 باشد جواب گو آن هر سه زن میان خود بیگانه اند پس اجتماع ایشان در عقد واحد  
 درست باشد صورت مسئله آنست که میان دو کس شتر یک بود آن کس که سیر  
 آورده هر دو شتر یک در حق سبب او گردند پس سبب او هر دو شتر یک ثابت شود و هر  
 ایشان هر دو پدر او بودند و این هر دو پدر او را یکا این یکا حق خود دارد و نه دیگر  
 سیر را آن هر دو شتر خواهر بودند از طرف پدر پس او بعد از وفات هم پدر را دارد و  
 هر دو خواهر خود را در یک عقد مردی بزننی داد و پس نکاح ایشان جایز باشد زیرا که  
 میان ایشان هیچ تر است نیست **سوال** مردی دو زن داشت یک ازین دوری  
 بچه را شیر داد زن دوم بران مرد حرام شد چگونه باشد **جواب** گو آن زن دوم که بچه  
 حرام شده است کسیر که مردی بود او در نکاح آن بچه بود چون سبب او را از او کرد مالک  
 خود گشت و نکاح را بر انداخت و بعد از آنکه شتر عدت نشوهر می دیگر کرد آن شوهر  
 دیگر هم داشت آن زن این بچه را شیر داد آن زن دوم که اول در نکاح آن بچه بود بران مرد حرام  
 گشت زیرا که آن بچه سیر رضاعی آن مرد شد و زن سیر رضاعی محال نیست چنانکه زن سیر  
 نسبی محال **سوال** مردی دو خواهر خود را در یک عقد به هزار درم مثل مردی بزننی داد  
 نکاح هر دو درست بود چگونه باشد **جواب** گو آن هر دو خواهر او میان خود بیگانه اند  
 پس اجتماع ایشان در یک عقد درست باشد صورت مسئله آنست که مردی زنی را بدو درم  
 مثل مردی خواست و از آن سیر آورد آن زن و شتر هم داشت از شوهر دیگر و این مرد  
 دختره داشت از زن دیگر بچه آمد و وفات کرد پس آن مرد هر دو خواهر خود را که  
 یک از قبل مادر بود دوم از قبل پدر به هزار درم بزد و هر دو را پس نکاح کرد  
 درست باشد زیرا که میان ایشان ترا جی نیست **سوال** مردی دو خواهر را به بیع صحیح و  
 به هزار درم فروخت و آن سیم بر نفس خود و بر عیال خود انفاق کرد و بیکه باشد **جواب**

بگویند او بنده مردی بود آن بنده باذن مولی تر را خواست و از او بپس آورد  
 و آن پس ببالغ بنده مادر او وفات یافت پس او بر مولی خود مهر مادرش را بپس آورد  
 از جهت فروختن آن بنده همان پس او را وکیل کرد پس او حکم و کالت مولی خود را فروخت  
 و درم از آن او در مهر مادر خود مستغفار در **سوال** بچاریست مادر او بدیده و خود را  
 بغیر عتاق کس چگونه باشد **جواب** بگو آن بچاریست که بدیده او باذن مولی کنیز که بدیده خود  
 برده کرده بود و بدیده او خواست از او بپس آورد پس او باذن زیر که پس آن خواست  
**سوال** مردی زنی را بغیر نکاح و طی کرد و آن زن برده و عوی مهر کرد و پیشین حاکم مسلمان  
 بر دهنده از ثبوت و حکم بوجوب مهر و از دوم عدالت و ثبوت نسب و چگونه باشد **جواب**  
 بگو آن نقطه و است بشبه نکاح صورت این مسئله است مردی زنی را بدیده درم مثل  
 برده و چون وقت خلوت شد اهل آن زن در میگیرند و خطیب برده و فرستادند و گویند  
 که این زن شست و آخر در ازین حال خبر خود تمام شب هر دو یکجا بودند چون باده او شد آن  
 زن دعوای مهر کرد او را پیشین حاکم مسلمانان بر حاکم بعد از ثبوت مردی حکم کند **سوال**  
 زن نفس خود را در یک عقد بدو مرد بر نهد و نکاح یکی جایز و نکاح دوم فاسد چگونه باشد  
**جواب** بگو آنرا که نکاح او فاسد است در خانه چهار زن داشت و آن پنجم زن در شرع درست  
 نیست پس نکاح او فاسد و نکاح دیگری جایز **سوال** زنیت مهر او بر دهنده مردی واجب  
 شد و میان ایشان زن نامشروعی نیست چگونه باشد **جواب** بگو که شوهر آن زن نامشروعی است  
 نکاح خود وکیل ساخته بود آن مرد حکم و کالت او زنی را در نکاح کرد و ضمانت مهر او شد پس  
 حکم ضمانت مهر بر دهنده او اجتناب اگر چه میان ایشان زن نامشروعی نیست و اصرار علم باصواب  
**سوال** زنی از کسی شوهر خود دیدم بستید و بر قصاب فرستاد او گوشت وزن کرد و در  
 آن درم در میان درم در کسی خود انداخت بعد شوهر او را بستید بر خود گفت اگر فوسه  
 این درم امر و زنیار که پس ترا طلاق آن بر قصاب رفت آن درم از او طلبید او گفت

که من اندرم در یک میان در هم خود انداخته ام نمیدانم که آن درم گدا می است چگونه باشد و ده  
 حیل آن چیست **جواب** بگو حیل در صورت آنست که قیاس با نام دهم بیار و در مشورت خود  
 تسلیم کند تا طلاق ببرد و واقع نشود **سوال** زن فی قرح آید از زمین برداشت میجواید که  
 آن آب را قرح بخورد و شوهرش گفت که اگر تو آن آب بخورس یا بریزس ترا طلاق تمام اگر آن دم  
 بر زمین نیفتد و هم اگر کسی بپوشد ترا سه طلاق چگونه باشد و حیل آن چیست **جواب** بگو حیل در صورت  
 آنست که جامه خشک میان آب قرح بیندازد و جامه تمام آید از آن جامه در خورد و طلاق نیست **سوال**  
 مرد زن خود را گفت که اگر تو در یک چیزی بر سر کنی منی آن حلال باشد و نمی آن حرام است و الا  
 سه طلاق چگونه باشد **جواب** بگو شرابی در یک بنید از دو ریضه میان آن اندازد و بر دو طلاق  
 میفتد **سوال** مرد از طعم از ده من خورد و او را گفت که اگر قرح بخورس پس آن امر در سه طلاق و  
 اگر بیرون اندازد سه نیز او را طلاق حیل آن چیست **جواب** بگو حیل در صورت آنست که نمی از آن  
 قرح بخورد و نمی بیرون اندازد تا حانت نشود **سوال** مردی سوگند خورد که امر و زورتان تا تمام  
 بعد از وقت نماز و آن فراتر بگذرد و آن **جواب** بگو بجماعت بگذارد یعنی به کسی افتد که بجماعت  
 و آن نشود و حانت نکرد **سوال** مردی سوگند خورد که امر و زورتان تا تمام بعد از وقت نماز بجماعت بگذرد  
 و باز زن خود جماعت کرد و گفت که غسل در روز نیارم و آب موجود دارد و صحیح البست حیل آن  
**جواب** بگو نماز پیشین و نماز دیگر بجماعت بگذارد و بعد از آن غسل کند و بعد  
 نماز شام و نماز نصف بجماعت بگذارد تا حانت نشود زیرا که بجماعت نماز جماعت گذارد و در روز  
 غسل کرد **سوال** مردی زن خود را گفت که اگر من یا آن زن به باجماعت نمانم پس ترا سه طلاق حیل  
 آن چیست **جواب** بگو در صورت حلی آنست که در وقت و راج کند و در روز و بیرون آید تا آن قراح  
 کند تا حانت نشود **سوال** مردی در دو سوگند خورد که این بنده را نفر و شتم و بجنبش بعد از  
 میجواید که بگذرد حیل آن چیست **جواب** بگو حیل در صورت آنست که نمی از آن بنده بگذرد و بجنبش  
 بجنبش تا حانت نشود **سوال** مردی در ماه رمضان سوگند خورد که طعم عشا نخورم بعد از وقت و سه طلاق

درآمد چگونه طعام خورد و حیال آن چیست **جواب** بگویند در صورت آنست که بعد از گذشتن ششم  
طعام خورد و زهر آن طعام را خست نگویند بلکه طعام سحر گویند و همچنین اگر مردی سوگن خورد  
که طعام جاست بخورد بعد از زوال خورد تا حاشا نشود **سوال** مردی وفات یافت چنانچه  
زن گذشت یکی از ترکه شوهر میراث برد و دوم نه میراث نه میسران سیوم میراث یافت و آن  
میراث محرم ماند چهارم میراث یافت و از مهر محرم ماند چگونه باشد **جواب** آنست که در ترکه شوهر  
از مهر و میراث محرم است آن کنیز که است که متوا و از زنی داده است و مهر او از شوهر گرفته است  
باز مهر او را نیاید و حرمان آن از سبب آنکه او بنده است زیرا که بنده از کسی میراث نبرد اما آنکه مهر  
یافت و از میراث محرم است آن نصرانی است در نکاح آن مسلم بود مهر از ترکه شوهر بر زن آن مهر  
او بر زن شوهر و نیست اما حرمان آن از سبب آنکه او کافره است زیرا که کافره از مسلم میراث  
نبرد و آنکه میراث برده است از مهر محرم ماند است آن کنیز که است که موی او را بریده داده است و بعد  
از بستن مهر او را داده کرده است پس از او را مهر نیاید اما میراث یابد زیرا که او حر است همچون  
زنان دیگر و آنکه مهر و میراث برد آن مسلم حره است **سوال** مردی وفات یافت و ترکه زنش یکی  
از ترکه پدرش میراث برد و دوم ثلث آن سیوم محرم ماند چگونه باشد **جواب** بگویند آن میت بنده مرد  
بود و در دختر داشت یکی بنده بود و دو آزاد و یکی از دو دختر آزاد و پدر خود را جزو پدر آزاد گذاشت  
و زیرا که هر سه رحم محرم خود را جزو محرم خردین آواد خود داده آن دو وفات یافت ده درم مثلاً که  
بعد از او گذاشته بود و ترکه گذشت ثلث آن از آن ترکه هر دو دختر که آزاد اند ایشان بر بنده و ثلث  
باقی هم یکی از این دو دختر که پدر خود را جزو پدر کرده و هر دو زیرا که معتقه است پس یک شصت ترکه دوم  
ثلث آن را که بنده بود محرم ماند زیرا که بنده که مانده است **سوال** عصبه که ارم کسان اند  
**جواب** عصبه چهار قسم است قسم اول زوج یعنی آنها که اولاد میت اند قسم دوم اصول یعنی آنها  
که میت در اولاد آنهاست مثل پدر و جد و جد پدر که بالار و قسم سوم فروع یعنی آنها  
که در اولاد پدر میت اند مثل برادر و برادر زاده و اولاد برادر زاده چهارم زوج جد یعنی





از طرف پدر و نیاک نیز باشد از طرف مادر اما پس سپهر سپهر پدر را برادر زاده باشد از  
 طرف پدر و خواهر زاده باشد از طرف مادر **سوال** نیا در عمر را بچه خود و عمر مادر زید  
 یکی از ایشان پس آید چه فراتجا شود میان هر دو سپهر **جواب** بگو سپهر پدر را و پدر باشد  
 و سپهر عمر زید را برادر و اگر عمر دختر زید را بخواهند و زید دختر عمر را که از زنی دیگر است  
 هر یک از ایشان پس آید و در صورت سپهر عمر زید را نیا باشد و سپهر زید را سپهر را نیا باشد  
**سوال** مرد زنی بده دم مثل برخواست و سپهر عمر که از زنی دیگر بود دختر آنرا که از سپهر دیگر  
 برست و بعد هر یک از ایشان پس آید و میان هر دو سپهر چه فراتجا شود **جواب** بگو سپهر  
 پدر سپهر را و پدر باشد از طرف پدر و سپهر سپهر پدر را خواهر زاده باشد از طرف مادر  
 و انساعلم بالصواب **سوال** کدام نماز است که بعد از آن قضا لازم نشود **جواب** بگو  
 نماز عید است بعد شروع در نماز آن قضا لازم نشود **سوال** کدام مسجد است که در بعضی  
 اوقات حکم مسجد نیست **جواب** مسجدی است که در آن نماز و حکم مسجد است و در غیر آن  
 حکم مسجد نیست **سوال** کدام مصلی است که نماز او بغیر قرات است **جواب** بگو آن  
 قرات خواندن منیداند و گنگ و لاحق یعنی آنکه با امام در نماز شروع کرده بود و او را حدث  
 لاحق شد پس او وضو سازد و نماز بغیر قرات تمام کند زیرا که او حکم را پس امام است و لهذا  
 اگر در وقت سهو کند سجده سهو لازم نیاید **سوال** مردی در نماز بود و قرآن خواند نماز  
 فاسد شد چگونه باشد **جواب** آنکه در وقت که او را حدث لاحق شده در قیام خون برآید  
 و صورت چپ از قرآن خواند نماز او فاسد گردد زیرا که او اگر چیزی از صلوٰه  
 بغیر وضو **سوال** چه حکم است که آدمی را چون عطسه آید راحتی در نفس خود می یابد  
**جواب** از آنکه روح در بعضی اوقات میخوابد که ازین جا که بگریزد و سو مقام خود را  
 کند از تن بیرون آید سو که بر خنجر میزد شاید که از سو که خنجر بیاورد پس از ماخ او را  
 بری آید که باش منفرز وقت بیرون شدن فوتیاده است پس قرات سکر و از است که او



الحمد لله رب العالمین شکر آن سوال حضرت خاقان حجت بی بے غایله را از هر از چه  
گویند جواب از آن که در سوره روشن و تابان بود که در شب تاریک در روشن  
روی آسمان در سوره سوزن می آمد و مایه خلقت او از سید بهشت بود که در صوفیان  
سبب بر دست رسول علیه السلام داده بود و خوشبو از مشک و شیرین تر از بهشت  
پیغمبر علیه السلام آنرا بخورد و در قوت آن در اعضا و متفرق شد هم آن شب با خدیجه  
اند و صفا و از آنجا آمدند از و غایله شد که از بدن مبارک می جوی است که می و هرگز حاضر  
نگشتی و چون در زند را در حال از تقاضای پاک شدی و غار گذارد سوال  
اصل مشک از چه چیز است جواب بعضی گفته اند چون آدم صلوات الله از بهشت بیرون آمد  
خلها و بهشتی از اندام بریده بر گسیند از درختان بهشت برگرفت و بدان خود را تر  
کرد چون از آنرا انداخت آهوی چرید از آن سبب حقیقی و صاف او در نسل او مشک نام دارد  
و بعضی گفته اند که مهتر او پ علیه السلام بر حمت مشک گشت بر گردن دریا خفیف و نا توان  
بود ماده آهوی آمد و او را بدان حالت دید از غایت شفق او را شیر داد پس خدا تعالی  
از بخت آن در ناف او مشک نهاد سوال چه حکمت است که پیغمبر علیه السلام بر  
شکم خود مشک بستی جواب بعضی گفته اند از سبب گسنگی بود تا مقدار سه قوت حاصل  
شود و بعضی گفته اند که چون مهتر ابراهیم علیه السلام خانه کوچه بنا میکرد و حجر اسود می نهادند  
از دست او می افتاد و باره از او شکست و جدا شد حقیقی مهتر جبرئیل را فرمود تا آنرا در  
جبل القاریه نهاد تا آنکه پدید آید از زمان معوض شود و بدید چون پیغمبر را و یکصدیق در غار  
رفته مهتر جبرئیل علیه السلام آن مشک کشید بر پیغمبر و او که این مشک را بر شکم خود میزد  
تا از پس خود همچنان بیند که از پیش سوال عصا و مهتر موسی علیه السلام که کارش  
چرا از سید و مهتر ابراهیم علیه السلام از آتشش نه تر سید جواب  
ما شوق عصا بعضی خدا میخواست بود و نیز واسطه پس خوف از و در حقیقت خوف از خدا تعالی

بود اما از خوف انش بقتل ای بود پس جاسے خوف نباشد و امید علم با اصول پس **سوال**  
 نماز میگردارد چون جانب راست سلام داد نماز وی فاسد گشت و چون جانب چپ سلام داد  
 ز کوه تبروی لازم شد پس نظر کرد بسوی آسمان صوم واجب شد بعد پس پشت نظر کرد و بعد  
 از او گشت بعد بر زمین نشست حج لازم شد پس پیش خود نظر کرد و زن بروی حرام شد چو آن  
 آن مردیست که نماز به تیمم میگردارد چون بر پشت سلام داد و نظرش بر آب افتاد نماز او فاسد شد  
 و چون جانب چپ سلام داد و دید که شریک او از سفر آمده است و مال آورده بر وزکات واجب شد  
 و چون نظر بسوی آسمان کرد بلال ماه رمضان دید صوم بر او لازم شد چون پس خود نظر کرد مادر و پدر  
 خود را که در ملک او در آمده بودند آواز شدند و چون بر زمین نشست حج لازم شد زیرا که میان او  
 و میان مکه سه روزه راه بود و نمی شد و چون پیش خود نظر کرد نظر او به پشت بر بزرگ مادر  
 زن افتاد و زن بروی حرام شد **سوال** مردی مسافر در میان نماز به تیمم میگردارد در میان  
 نماز از شنیدن آواز ستور خود نمازش فاسد شد چگونه باشد **جواب** آن مرد اسباب خود بر ستور  
 بار کرده بود و کوزه بر آب نیز در میان اسباب بود و آن ستور گم شده بود و چون وقت نماز آمد  
 آن مرد از تیمم نماز شروع کرد بعد از آن ستور گم شده آواز جای آورد و چون آن مرد شنید  
 نماز او باطل شد زیرا که آب موجود شد **سوال** دو مرد در نماز بودند مردی در خواب افتاد نماز  
 درست و نماز دیگری فاسد شد چگونه باشد **جواب** آن کس که در خواب افتاد نماز او فاسد شد  
 و آن کس که بیدار بود نماز او جایز **سوال** شخصی چهار رکعت سنت پیشین گذارد و بعد  
 از آن چهار رکعت فریضه بگذارد سنت مردی از فریضه روا باشد چگونه است **جواب** آن شخص  
 و صنوساخته بود هیچ موزنه فراموش کرده بود چون سنت گذارد آن مقام بمقام دیگر  
 بمقصد حاجت بیرون آمد قطرات باران که بر گیاه او بودند بر موزنه او رسیده قائم بمقام  
 شدند نماز فریضه او اگر دید و نماز سنت را می **سوال** دسری خم دارد یکی خم و غش دوم خم  
 شیر سوم خم هر که از هر خمی چیزی در میان سنت انداخته پس در سنت که موش مرده است

برکدام حکم مجازت کند **جواب** حکم مومن بخلاف اگر در وقت ادنکم مومن بیرون آید حکم مجازت  
بر حکم مومن کند و اگر مشرک بیرون آید بر حکم مشرک کند و اگر سرکوب بیرون آید بر حکم سرکوب  
و اگر بعد شکافتن چوبیس بیرون نیاید از شکم مومن سپس آن مومن را پیش گرداند از دگر گرد  
بجز در حکم مجازت بر حکم مشرک در وقت نکند و اگر گرد مومن را بخورد حکم مجازت بر حکم سرکوب باشد  
**سوال** کدام سنت است که قایم مقام فرشت است و به اداء آن سنت کفر مضاعف می شود  
**جواب** آن مسح موزه است زیرا که قایم مقام می شود بمقام شستن یا بیها که فرشت  
و الله اعلم بالصواب **سوال** هر که نماز بعد از اقصا کند در موزه لب کند برای او چه قدر عذاب است  
**جواب** برای نماز یک وقت شش سزار و چهار صد سال در عذاب و در نسخ گرفتار ماند و بر  
یک روزه ماه رمضان زیاد تر از این محدثی در

تمام ہو ارسالہ مشکلات الفقہ المعروف بحیث الفقه

**استفتا** جواب بکلیها هو امو کو وجیه الدین جعفر محمد بن محمد کا چه **سوال** آدمی کسی چیزی غلام  
اور لونڈی ہوتا ہی اور کون آدمی ہی کہ غلام اور لونڈی ہو سکتا ہی **جواب** آدمی مردے  
غلام و کثیر یک ہو سکتا ہی نہ غیر اسکا مگر ساتھ تبعیت مان اپنی کی کہ کثیر یک ہو اور سب غلام و کثیر یک ہو  
ابتدا و غلبہ ہو حالاً اور مالا یعنی بالفضل اور آئندہ کو نہ غیر اسکا جعفر و غیرہ اسلمی ہی کہ سببے رسیدا کر نوا  
ملک کام جعفر بن غلبہ ہی نہ غیر اسکا اور محل اسکا مال مباح ہی غیر اسکا اور آدمی میں مال مباح فقط  
حرثی ہے اور یعنی غلبہ کی قدرت اور قابو یا نہ ہی ایک چیز غیر بالفضل اور آئندہ کو ہی یعنی اس طرح کی  
پناہ میں آیا کہ کوئی اسی چہا نہیں سکتا اور غالب حربی پر جو کوئی ہو مسلمان ہو یا کافر آدمی ہو یا کافر  
مالک اسکا ہو جاتا ہے اور کہا ہی ہر ایمین کہ مالک نہیں ہو چہا حربی نہ تھا کہ بیرون ہوا ورنہ او کو  
امہات اولاد ہماری کے اور نہ او پر کما تہ ہر کی اور نہ او پر احرار جاری کی اور مالک ہو سکتے ہیں ہم  
اہل حرب کی ان سب چیزوں کا اگر کی اسلمی کہ سبب یعنی غلبہ ہوا اسکی نہیں کہ مفید حکم محل میں ہوتا ہے

اور محل اسکا مال سباح ہی اور جو مضموم بذات خود ہی اور اس طرح وہ کہ سوا ہی اسکی مین یعنی مذکور اور ام  
ولد اور مکاتب ہماری اسلمی کو ثابت ہوتی ہی حریبت نہیں ایک طرح کی عجلت بردون کفار کی اسلمی  
کہ شروع فی سادہ کردی ہی عصمت لکے جو عن جنایت یعنی قصور اسکی کے اور کردی ہے اسکو  
بروردہ اور نہیں جنایت النسی یعنی مذکور اور ام ولد اور مکاتب ہماری ہی اور ہدایہ مین ہیہ ہی مذکور ہی  
کہ جب غالب ہوں کفار ترک روم بر پس مذہب مین بگردن او کو اور یون اموال کی مالک ہوتی ہیں  
سبب اسکی کہ غلبہ مستحق ہوا مال سباح مین اور غلبہ ہی سبب ملک ہی اور ہدایہ مین ہیہ ہی مذکور ہی کہ غلبہ  
مستحق نہیں ہوتا مگر سادہ احراز کے طرف دور سے لے لے لے  
ایسکی طرف ملک اپنے کے اسلمی کہ غلبہ عبارت ہے  
قابو بانی سی محل سبب افضل اور کار اور ذمی بیج حکم مذہبنا و اموات اولادنا الخ کی داخل ہی ہوتا ہوتا  
ایجنیک لیکون دماءہم کد صائنا و امواتہم کادوا النایا یعنی اسلمی کہ سوا اسکی نہیں کہ خیر  
کیا ہی انہوں کی نزیہ تاکہ ہوں خون انکی مانند خون ہمارے کے اور اموال مانند اموال ہمارے  
پس ذمی مضموم غلبہ ہی چنانچہ اسلمی کہ اسکی قتل ہی قصاص لازم آتا ہی اور بحر الرین مین یا ہی کہ حاو  
مین مذکور ہی کہ ملک خدمت خاص ہی مانع غیر کو اور وہ اثر غلبہ کا ہی اسلمی کہ سبب غلبہ ثابت ہوتی ہی ملک  
اچیز مین کہ خالی ہو ملک ہی اور وہ چیز کہ خالی ملک سی ہی ہی سباح ہی اور غلبہ فقط طریق ملک ہے  
تمام اموال مین اسلمی کہ اصل باحت و معین اور بیع اور ہدایہ و مانند انکی ناقل مین ملک کی کہ حاصل  
ہوتی ہی سبب غلبہ کی طرف اسکی نہیں ہوا شرط بیع سی ہونا ملک کا وقت بیع کی تا انکہ صحیح ہو گی سباح مین ہی  
کی سبب خیالی ہونی محل کی ملک سی وقت بیع کی اور سبب ارث اور وصیت کی حاصل ہو تو جو خلاف یہاں شک  
کہ گویا مانی اسی اول ہی نہ انتقال یعنی انتقال حاصل نہیں ہوتا ہی تا انکہ واسطی ارث کی ہی سبب سبب  
ثابت نہیں ہوتا بخلاف مول لینی والی کے پس سبب بابت مین ہیں ایک تو ثابت کہ مولاد واسطی ملک کے  
ہی اور وہ غلبہ ہی دوسرا انتقال کہ مولاد ملک اور وہ بیع ہی اور مانند اسکی اور تیسرا اختلاف ہی اور  
وہ ارث اور وصیت ہی اور غلبہ مین ہونا شک اور جہاں اور اذن بادشاہ کا شرط نہیں ہو ملک جو

قیدی اور ستمنا من و غریبی ہی چوٹا آورد و مختارین کلبا ہی کہ من اگر نکالی ستمنا من طرف سہار کوئی  
 مالک ہوتا بلکہ حرام بسبب غلامی بقصدہ کی نزدیکی اسکو بخلاف قیدی کی پس مباح ہی فرض اسکا اگر  
 چہ ہر دین اسکو اہل حرب عزت اسکی کدوہ ستمنا من میں ہی پس قیدی مانند جو رک ہی پس شریک  
 جابر ہی اسکو دنیا مال کا اور قتل کرنا نفس کا لیکن حج بخلفی عنیت کے اور قہر ساتھ دن نام کی ٹر  
 ہی جو کوئی داخل بود اور اگر میں بسوٹ لا باخیر لیا وی کدوہ شخص کہ نہیں ہی لشکر اور غلام اسکی اور نہ  
 اذن یعنی انھی نفس نیکی اور غلام اس طرح چہ ثبات ہوتا ہی حربی جابر سہو حج اقرار پائی کی عقد ہون اور  
 کسی کی یا تہیجین اور تسلیم کرنا اس کی کس صورتیں مشترکہ طور شاخ کار ہی ثبات ہی حربی بسبب قانون پائی کی  
 حج کو مشترکہ کی یا تہیجین سکتی اگر حج جابر ہی اور خزانہ از ادایات میں ہی کہ مسلمان داخل ہو  
 دارالکرب یا تہیجین کی کسی یا کسی ہی سی یا اسکا یا یا اسکا صحیح ہوتا کہ نہیں جابر ہی لیکن اہل حرب کہ مقتد  
 جواز اس حج کی ایک ہوا اسکا بسبب قیدی نہ تہیجین کی یا حاکم دارالکرب اسکو بکرہ غلام اور نوہ کی کوئی کہ  
 اسکو ہی قدرت با الفضل اور غلام اس پر ہی چوٹا ثبات ہی کوئی اسی جہا نہیں سکتا اور خزانہ از ادایات میں ہی  
 ہی ہی کہ ذخیرہ میں ہی چون کسی کہ بجا کیا بادشاہ یا زیادنا ہون اہل حرب کی طرف کسی سلطان کی یہی ازادگان  
 اہل حرب میں یا بعض اہل پائی میں پس اگر نہیں ہی در میان بدیتہیجینی والی کی اور اسکی بطریق ہی بجا گیا  
 حرات ملک ہوئی وہ ازادگان اہل حرب کی واسطی اسکی کہ یہی بجا گیا ہی طرف اسکی اور اگر کہہ صاحب قیادت ہر  
 مہدی سی یا دہ سہدام و تہیجینی کی کہ نہیں ملک ہوئی وہ ازاد واسطی مہدی کی ایک یعنی اول دہ بادشاہ ہی بجا گیا  
 سوات میں بعد مہدی الیہ کی اگر ذی رحم مہدی کا یا مہدی کی ہو تو ازاد ہو کر مہدی ہی اور انتقال ملک قبول کیا پس  
 الیہ ملک ہوا اور حج ملک حکومت کر سکی اگر کہ دارالکرب لیکن غلامیہ حق اقدار و قدرت مائی ہرگز متفق نہیں جس در میان  
 یہاں غلام و کثیر نہیں ہو سکتی اور مسلمان اور مارے قطیعہ و راجہ مان حضرت اسمعیل کی بسبب غلامی کہ کثیر نہیں نہ  
 بسبب حج اور سہ کی اسلی کہ مارے راجہ اول کثیر دین والو کی نہیں اور سلطان و غیرہ بسبب بکرہ یا حج غلام  
 ہر کسی کی کدوہ مانہ و اہلیت میں ایک کافوہی ایک قریہ دو سہ نزدیک ہی درجہ گانہ ہی ایک حکم ہی بکرہ  
 جب سہرگ بجا ہوا اور ساتھ دارالکرب متفق ہوا قطعہ اسکو کو وجہ الدین سہار نور ہی غلام و تہیجینی قاتل ہوا

١٥٠

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۵۴۸

تتبع

...

مجلس

11

فقر احمد

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100	101	102	103	104	105	106	107	108	109	110	111	112	113	114	115	116	117	118	119	120	121	122	123	124	125	126	127	128	129	130	131	132	133	134	135	136	137	138	139	140	141	142	143	144	145	146	147	148	149	150	151	152	153	154	155	156	157	158	159	160	161	162	163	164	165	166	167	168	169	170	171	172	173	174	175	176	177	178	179	180	181	182	183	184	185	186	187	188	189	190	191	192	193	194	195	196	197	198	199	200	201	202	203	204	205	206	207	208	209	210	211	212	213	214	215	216	217	218	219	220	221	222	223	224	225	226	227	228	229	230	231	232	233	234	235	236	237	238	239	240	241	242	243	244	245	246	247	248	249	250	251	252	253	254	255	256	257	258	259	260	261	262	263	264	265	266	267	268	269	270	271	272	273	274	275	276	277	278	279	280	281	282	283	284	285	286	287	288	289	290	291	292	293	294	295	296	297	298	299	300	301	302	303	304	305	306	307	308	309	310	311	312	313	314	315	316	317	318	319	320	321	322	323	324	325	326	327	328	329	330	331	332	333	334	335	336	337	338	339	340	341	342	343	344	345	346	347	348	349	350	351	352	353	354	355	356	357	358	359	360	361	362	363	364	365	366	367	368	369	370	371	372	373	374	375	376	377	378	379	380	381	382	383	384	385	386	387	388	389	390	391	392	393	394	395	396	397	398	399	400	401	402	403	404	405	406	407	408	409	410	411	412	413	414	415	416	417	418	419	420	421	422	423	424	425	426	427	428	429	430	431	432	433	434	435	436	437	438	439	440	441	442	443	444	445	446	447	448	449	450	451	452	453	454	455	456	457	458	459	460	461	462	463	464	465	466
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----




الشيخ

بسم الله الرحمن الرحيم

59



TITLE مستندات الفقه

[illegible]

**MAULANA AZAD LIBRARY**  
**ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY**

**RULES:—**

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

